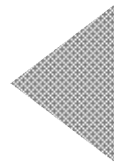


# سنجش تأثیر محیط کسب و کار بر تولید ناخالص داخلی در دو گروه کشورهای اسلامی در حال توسعه (گروه D8) و برگزیده با تأکید بر شاخص رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد GCI



صادق بافنده ایماندوست<sup>۱</sup>

علی مفیدی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۷/۹/۱۹ - تاریخ تصویب ۹۸/۳/۲۱)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

## چکیده

یکی از مهمترین مسائل پیش روی دولت‌ها و صاحب‌نظران اقتصادی، رشد اقتصادی و عوامل تأثیرگذار بر آن می‌باشد. استفاده از نهاده‌های تولید و نوآوری در صورتی منجر به رشد اقتصادی پایدار می‌گردد که محیط فعالیت کارآفرینان و بنگاه‌ها مستعد و قابل پیش‌بینی باشد. محیط حقوقی و نهادی از جمله عوامل مهم در بهبود سهولت کسب و کار است که در گزارش‌های بانک جهانی به آن اشاره شده است. علیرغم آن، کارآفرینان و بنگاه‌ها با موانع متفاوتی در فرایندهای کسب و کار درگیر می‌باشند. در این مطالعه میزان تأثیر محیط کسب و کار بر تولید ناخالص داخلی و بر اساس گزارش رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد GCI، اندازه‌گیری شده

۱- دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول). [Imandoust@pnu.ac.ir](mailto:Imandoust@pnu.ac.ir)

۲- کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه پیام نور.

است. برای این کار داده‌های هشت کشور اسلامی در حال توسعه (D8) و هفت کشور برگزیده که بر طبق گزارش رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد در حال گذار از اقتصاد عامل محور به کارا محور هستند و در دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۵ به صورت تابلویی جمع‌آوری و مدل ارائه شده برآورد گردیده است. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که تأثیر رتبه توسعه بازارهای مالی و رتبه زیرساخت‌ها بر تولید ناخالص داخلی کشورهای برگزیده منفی و معنی دار بوده و میزان آن به ازای ۱۰٪ کاهش در رتبه بازارهای مالی و زیرساخت‌ها به ترتیب ۰/۰۰۰۱ و ۰/۰۰۰۱۶ افزایش در تولید ناخالص داخلی است. این تأثیر برای کشورهای گروه D8 منفی و بی معنی بوده است.

**کلمات کلیدی:** سهولت کسب و کار، تولید ناخالص داخلی، سیستم مالی، شاخص رقابت پذیری

## مقدمه

امروزه بهبود فضای کسب و کار یکی از موضوعات مهمی است که توجه سیاست‌گذاران و صاحب نظران را به خود جلب کرده است. اهمیت این موضوع به این دلیل است که بنگاه‌ها و کارآفرینان را با عواملی درگیر ساخته که بر حوزه کسب و کار آنها به شدت تاثیر داشته و در عین حال تا حد زیادی در اختیار و کنترل آنها نمی‌باشد. محیط کسب و کار را میتوان به دو بخش تقسیم نمود، بخشی از آن که در شاخص بانک جهانی آمده است و شامل ساختارهای نهادی و قانونی میباشد. این بخش از محیط شامل روابط قراردادی است که افزایش قابلیت اطمینان و پیش بینی را برای ذینفعان فراهم کرده و هزینه‌های مبادلاتی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. در عین حال بخش دیگری از محیط، شامل امنیت پایدار، ثبات در متغیرهای کلان اقتصادی و کارایی نیروی کار میباشد. این عوامل نیز بر محیط کسب و کار اثر گذار بوده و در هنگام ارزیابی کشورها بر اساس شاخص بانک جهانی، ثابت در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که این عوامل برای تمام کشورها یکسان نیست (گزارش سهولت کسب و کار بانک جهانی ۲۰۱۶:۲۱).

موضوعی که این مقاله به آن می‌پردازد طرح این پرسش است که آیا محیط کسب و کار بر تولید ناخالص داخلی کشورهای گروه D8 و برگزیده تأثیر داشته و میزان آن چقدر بوده است. به عبارت دیگر می‌خواهیم میزان تأثیر محیط کسب و کار بر تولید ناخالص داخلی را با استفاده از

شاخص رقابت پذیری GCI محاسبه کنیم. برای این کار دو گروه کشورهای در حال توسعه اسلامی (D8) و نیز کشورهای برگزیده انتخاب شده‌اند. کشورهای گروه D8 علیرغم داشتن اشتراکات دینی و فرهنگی، به لحاظ سطح توسعه و توانایی‌های اقتصادی متفاوت می‌باشند. به همین دلیل در گروه دوم، کشورهای برگزیده که بنا بر تعریف مجمع جهانی اقتصاد در یک گروه اقتصادی قرار دارند، و در حال گذار از اقتصاد عامل محور به کارا محور هستند، انتخاب شده‌اند. دوره مورد بررسی این مقاله ۲۰۱۱-۲۰۱۵ است. تخمین مدل به روش داده‌های تابلویی و با کمک نرم‌افزار STATA انجام شده است.

این مقاله در پنج قسمت تنظیم گردیده است. بعد از قسمت اول که مقدمه‌ای از مقاله در آن آورده شده است. در قسمت دوم (ادبیات موضوع)، به توضیح و تبیین ساختار شاخص رقابت پذیری GCI و چگونگی تأثیر آن بر محیط کسب و کار از طریق ۱۶ عامل محدودکننده آن پرداخته خواهد شد. و در ادامه خلاصه‌ای از مطالعات انجام شده در مورد تأثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ارائه می‌شود. در بخش سوم (روش پژوهش)، مدل مورد استفاده به همراه تعریف متغیرها، چگونگی جمع‌آوری داده‌ها، دوره زمانی و کشورهای برگزیده معرفی خواهند شد. در بخش چهارم، نتایج برآورد و آزمون‌های مدل ارائه گردیده است و در انتها در بخش پنجم نتایج و پیشنهادها ارائه شده است.

## ادبیات موضوع

اقتصاددانان نهادگرا، بر نقش نهادها بر عملکرد اقتصادی تأکید داشته و عملکرد اقتصادها را در طول زمان متأثر از تحولات نهادی می‌دانند که قابل دیدن، لمس کردن و اندازه‌گیری نیستند و انعکاسی از وجود قراردادهایی در روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اشخاص با یکدیگر هستند که به‌طور قابل توجهی منجر به کاهش ناطمینانی بازار، کاهش هزینه‌ها در فرایند مبادلات و معاملات تجاری و افزایش رقابت در بازار می‌شوند. بر اساس مدل‌های رشد درون‌زا مولفه‌های سرمایه انسانی، تحقیق و توسعه داخلی و سرریز تحقیق و توسعه خارجی نقش تعیین کننده‌ای بر رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. اگر کشوری از لحاظ نهادی در شرایط بهتری باشد، امکان اثرگذاری سرمایه انسانی، موجودی تحقیق و توسعه داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی بیشتر خواهد شد (شاه‌آبادی، دهقانی ۵۰: ۱۳۸۹). با توجه به عملکرد نهادها، سهولت کسب و

کار را میتوان یک متغیر نهادی در نظر گرفت. بهبود شرایط کسب و کار اثرگذاری متغیرهای درونزای رشد را افزایش داده است. بر طبق ادعای بانک جهانی، محیط کسب و کار قابل پیش بینی و پایدار، سرمایه گذاری توسط شرکت‌های چند ملیتی را افزایش خواهد داد. سرمایه گذاری مستقیم خارجی بیشتر، رشد اقتصادی و رفاه را برای کشور میزبان به ارمغان می آورد. فضای کسب و کار مجموعه‌ای از سیاست‌ها، شرایط حقوقی، نهادی و مقرراتی تعریف شده است که بر فعالیت‌های کسب و کار حاکم است. در تعریف دیگری محیط کسب و کار، مجموعه عواملی است که بر عملکرد بنگاه تأثیر می‌گذارد اما مدیر نمی‌تواند آن را به‌سهولت تغییر دهد. و تا زمانی که محیط کسب و کار بهبود نیابد، بهبود عملکرد بنگاهها و به‌طور کلی رشد بخش خصوصی امکان‌پذیر نیست. (ناجی، رضازاده ۸۷۳:۱۳۹۲).

فرض اساسی در ایجاد و تداوم کسب و کار این است که فعالیت‌های اقتصادی نیاز به قوانین خوب دارند. قوانینی که باعث مشخص شدن حقوق مالکیت می‌شود و هزینه حل و فصل اختلافات را کم می‌کند، قوانینی که باعث افزایش ارتباطات اقتصادی می‌گردد و موجب اطمینان شرکای تجاری به یکدیگر می‌شود (گزارش سهولت کسب و کار بانک جهانی، ۱۲: ۲۰۱۱).

بهبود فضای کسب و کار امروزه به عنوان یک راهبرد اقتصادی شناخته شده است. این راهبرد مکمل راهبرد خصوصی سازی است و برخی نیز حتی بر این باورند که رفع موانع بخش خصوصی یا همان بهبود فضای کسب و کار می‌بایست جایگزین خصوصی سازی شود. تقدم و اولویت بهبود فضای کسب و کار بر واگذاری امور به بخش خصوصی را می‌توان در دو نمونه چین و روسیه مشاهده نمود. تأثیرات اقتصادی ناشی از بهبود وضعیت فضای کسب و کار در چین بسیار بیشتر و عمیق‌تر از خصوصی سازی در روسیه بوده است. به عبارت دیگر، برای موفقیت آمیز بودن گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار لازم است محیط کسب و کار بهبود یابد. در سایه این راهبرد می‌توان به رشد بخش خصوصی واقعی در اقتصاد و رقابتی تر شدن محیط کسب و کار و شفافیت آن اطمینان حاصل نمود (حسین زاده بحرینی، عرفانی ۱۰۵:۱۳۹۱). محیط نامناسب کسب و کار مانع رشد کارآفرینی و شرکت‌های کوچک و متوسط است. و در این خصوص شرکت‌های کوچک بیش از شرکتهای بزرگ از محیط نامناسب کسب و کار آسیب می‌بینند.

در حال حاضر، برای ارزیابی وضعیت فضای کسب و کار سازمان های بین المللی مختلف به

طراحی شاخص‌های مختلفی پرداخته‌اند که این شاخص‌ها بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی تأثیرگذار است. اولین شاخص توسط بانک جهانی تعریف و ارائه شده است. بانک جهانی از طریق یازده شاخص، رتبه سهولت کسب و کار<sup>۱</sup> در کشورهای مختلف را تعیین و به صورت مقایسه‌ای برای تمامی کشورها منتشر می‌نماید.

موضوع مهمی که این مقاله بر آن تأکید داشته این است که شاخص سهولت کسب و کار بانک جهانی ارزیابی کاملی از وضعیت کسب و کار کشورها ارائه نمی‌دهد. اصلاح ساختارهای نهادی و قانونی کشورها اگرچه بسیار حیاتی بوده و در بهبود محیط کسب و کار لازم است اما کافی نمی‌باشد. به عبارت دیگر محیط کسب و کار علاوه بر معیارهای یادشده در شاخص بانک جهانی به عوامل و پارامترهای دیگری نیز بستگی دارد. شاخص رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد ۱۶ عامل را به عنوان مهمترین عوامل محدودکننده وضعیت فضای کسب و کار کشورها ارائه کرده است. این عوامل در جدول (۵) به همراه مقادیر کمی آن برای دو کشور ایران و نیجریه نشان داده شده است. ترکیب شاخص‌های سهولت کسب و کار بانک جهانی و رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد اولاً تصویر جامع و کاملی از شرایط کشورها را برای سرمایه‌گذاری در اختیار شرکتها و صاحبان سرمایه قرار داده و ثانیاً نقاط قوت و ضعف اقتصاد کشورها را برای سیاست‌گذاران و مقامات محلی تشریح می‌نماید تا بتوانند با تصحیح عملکرد گذشته و برنامه‌ریزی‌های آینده، محیط کسب و کار را برای کارآفرینان امن، باثبات و قابل پیش‌بینی نمایند.

### شاخص سهولت کسب و کار بانک جهانی

در گزارش بانک جهانی، شاخص سهولت کسب و کار برای کشورهای مختلف مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفته است. شاخص سهولت کسب و کار بانک جهانی با جزئیات مربوطه در ضمیمه پیوست آورده شده است. گزارش سهولت کسب کار بانک جهانی، بخشی از حوزه‌های سیاستی و تأثیرگذار را شامل نمی‌شود. این حوزه‌ها به نوعی بر فضای کسب و کار تأثیر داشته و در عین حال در محاسبه این شاخص به آنها اشاره‌ای نشده است. این عوامل در جدول (۱) ارائه شده‌اند.

### جدول (۱)- عوامل محیطی تأثیر گذار بر فضای کسب و کار که در محاسبه شاخص بانک جهانی DB لحاظ نشده‌اند

ثبات در متغیرهای کلان اقتصادی	وضعیت سیستم مالی
سطح آموزش و مهارت نیروی انسانی	میزان رشوه‌خواری و فساد
اندازه بازار	امنیت

منبع: گزارش سهولت کسب و کار بانک جهانی ۲۰۱۶:۲۱

سیستم مالی مفهومی است جامع که در شش بعد مختلف بخش بانکی، بخش غیر بانکی، بخش پولی و سیاست‌گذاری پولی، مقررات و نظارت بانکی، باز بودن بخش مالی و محیط نهادی تعریف می‌گردد. سیستم مالی فرآیندی است که طی آن افراد جامعه قابلیت دسترسی ارزان قیمت به ابزارها، خدمات، بازارها و واسطه‌های مالی را پیدا می‌کنند و در یک بازار مالی توسعه یافته، اصول آزادی انتخاب و شفافیت اطلاعات به درستی رعایت می‌شود و عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان خدمات پولی می‌توانند در کمال آزادی و آگاهی خدمت مورد نظر خود را بخرند و یا بفروشند (شاه‌آبادی، ۱۳۹۴:۴۸).

### شاخص رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد

شاخص رقابت‌پذیری (GCI)، از ۱۱۳ نشانگر تشکیل شده است. این نشانگرها در ۱۲ رکن نهادها، زیرساخت، فضای کلان اقتصادی، بهداشت و آموزش ابتدایی، آموزش تکمیلی، کارایی بازار کالا، کارایی بازار کار، توسعه بازار مالی، آمادگی‌های فناوری، اندازه بازار، تکامل کسب و کار و نوآوری گروه‌بندی شده است. ۱۲ رکن مذکور نیز در سه زیرشاخص نیازهای اساسی، افزایش دهنده کارایی و نوآوری و عوامل تکامل که سه مرحله اصلی توسعه می‌باشند، قرار گرفته‌اند.

### جدول (۲) - ساختار شاخص جهانی رقابت پذیری

زیر شاخص نیازهای اساسی	زیر شاخص افزایش دهنده کارایی	زیر شاخص نوآوری و عوامل تکامل
رکن اول: نهادها رکن دوم: زیرساخت‌ها رکن سوم: فضای کلان اقتصادی رکن چهارم: بهداشت و آموزش ابتدایی	رکن پنجم: آموزش تکمیلی رکن ششم: کارایی بازار کالا رکن هفتم: کارایی بازار کار رکن هشتم: توسعه بازار مالی رکن نهم: آمادگی‌های فناوری رکن دهم: اندازه بازار	رکن یازدهم: تکامل کسب و کار رکن دوازدهم: نوآوری
اقتصادهای عامل محور	اقتصادهای کارامحور	اقتصادهای نوآورمحور

منبع: گزارش رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۸:۱۲

کشورهایی که در مرحله عامل محور قرار داشته و آستانه سرانه تولید ناخالص داخلی کمتر از ۲۰۰۰ دلار را دارند، عوامل نیروی کار، منابع طبیعی و میزان جمعیت را به عنوان مزایای رقابتی، رشد و توسعه در نظر گرفته‌اند. این کشورها نیازمند به توسعه و بهبود ارکان اول تا چهارم می‌باشند، و ۶۰٪ نمره شاخص رقابت پذیری از طریق زیرشاخص نیازهای اساسی به دست آمده است. ضعف در زیرساختها از جمله جاده، بندرگاه و فرودگاه به همراه عدم ثبات در متغیرهای اقتصادی با ضعف در محیط نهادی، فضای کسب و کار را به شدت نامطمئن و شکننده ساخته است. در اقتصادهای کارامحور، بهبود نسبی در چهار رکن ابتدایی حاصل گردیده است و هدف اصلی استفاده بهینه و کارآمد از سرمایه و نیروی انسانی می‌باشد. در مرحله نوآور محور، تمامی ظرفیتهای اقتصادی به کار گرفته شده است، و عامل تحریک کننده رشد و توسعه، نوآوری و خلاقیت بنگاهها در کسب ثروت و مزیت رقابتی می‌باشد. سرانه تولید ناخالص داخلی در این کشورها بیش از ۱۷۰۰۰ دلار بوده و ۲۰٪ از نمره شاخص رقابت پذیری از طریق زیرشاخص نیازهای اساسی به دست آمده است، به بیان دیگر عوامل تولید سنتی کمترین نقش را در میزان رقابت پذیری کشورها داشته است. هم چنین تأثیر عوامل افزایش دهنده کارایی برای کشورهایی که از مرحله کارامحور عبور کرده، در حدود ۵۰٪ ثابت مانده و آنچه اهمیت و نقش بیشتری داشته است، تأثیر نوآوری بر میزان رقابت پذیری می‌باشد. در جدول (۳) وزن سه زیر شاخص تأثیر نیازهای اساسی، تأثیر عوامل افزایش دهنده کارایی و نوآوری و عوامل تکامل برای ۳ مرحله

اصلی و ۲ مرحله گذار کشورها مشخص گردیده است. به عنوان مثال کشورهایی که در مرحله ۱ یعنی عامل محور قرار دارند، وزن نمره اکتسابی GCI به ترتیب ۶۰٪ آن ناشی از تاثیر نیازهای اساسی و ۳۵٪ آن از تاثیر عوامل افزایش دهنده کارایی و فقط ۵٪ آن ناشی از تاثیر نوآوری بوده است. وزن تشکیل دهنده نمره GCI برای کشورهایی که در مرحله ۳ نوآور محور قرار دارند، ۲۰٪ آن از تاثیر نیازهای اساسی و ۵۰٪ آن از تاثیر عوامل افزایش دهنده کارایی و ۳۰٪ باقی مانده از تاثیر نوآوری بوده است. این بدان معناست کشورهایی که در مرحله ۳ قرار دارند وزن بیشتری از نمره GCI آنها از نوآوری بوده است. از لحاظ کمی وزن ۵٪ تاثیر نوآوری و عوامل تکامل در کشورهای مرحله ۱ با وزن ۳۰٪ در کشورهایی که در مرحله ۳ قرار دارند، مشهود و قابل توجه می باشد.

### جدول (۳)- رابطه بین وزن زیرشاخص ها و مراحل توسعه

مرحله ۱: عامل محور	گذار از مرحله ۱ به ۲	مرحله ۲: کارا محور	گذار از مرحله ۲ به ۳	مرحله ۳: نوآور محور	
کمتر از ۲۰۰۰	-۲۹۹۹ ۲۰۰۰	۸۹۹۹-۳۰۰۰	۱۷۰۰۰-۹۰۰۰	بیشتر از ۱۷۰۰۰	آستانه سرانه تولید ناخالص داخلی (US\$)
۶۰٪	۶۰٪-۴۰٪	۴۰٪	۴۰٪-۲۰٪	۲۰٪	تاثیر نیازهای اساسی
۳۵٪	۵۰٪-۳۵٪	۵۰٪	۵۰٪	۵۰٪	تاثیر عوامل افزایش دهنده کارایی
۵٪	۱۰٪-۵٪	۱۰٪	۳۰٪-۱۰٪	۳۰٪	تاثیر نوآوری و عوامل تکامل

منبع: گزارش رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۵: ۱۰

کشورهای گروه D8 به لحاظ سطح توسعه متفاوت بوده و بر طبق گزارش مجمع جهانی اقتصاد، مطابق جدول زیر طبقه بندی شده اند. کشورهای پاکستان و بنگلادش، مصر و اندونزی، مالزی و ترکیه، ایران و نیجریه در یک گروه قرار گرفته اند.



جدول (۴)- سطح توسعه در کشورهای گروه D8

نوآور محور	گذار از مرحله ۲ به مرحله ۳	کارا محور	گذار از مرحله ۱ به مرحله ۲	عامل محور	
				√	بنگلادش
		√			مصر
			√		نیجریه
	√				مالزی
		√			اندونزی
			√		ایران
	√				ترکیه
				√	پاکستان

منبع: گزارش رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد، ۱۰: 2015

از دیدگاه مجمع جهانی اقتصاد، عوامل دیگری نیز بر فضای کسب و کار مؤثر می باشند، این

عوامل به شرح زیر می باشند:

۱. میزان دسترسی به منابع مالی<sup>۱</sup>
۲. عدم ثبات در رویه و سیاستها<sup>۲</sup>
۳. دیوان سالاری ناکارآمد دولت<sup>۳</sup>
۴. تورم<sup>۴</sup>
۵. عرضه ناکافی در زیرساخت های فیزیکی<sup>۵</sup>
۶. مقررات ارز خارجی<sup>۶</sup>
۷. فساد<sup>۱</sup>

۱- Access to Financing

۲ -Policy Instability

۳- Inefficient Government Bureaucracy

۴- Inflation

۵- Inadequate Supply of Infrastructure

۶- Foreign Currency Regulations

۸. مقررات محدود کننده کار<sup>۲</sup>

۹. نرخ مالیات<sup>۳</sup>

۱۰. پیچیدگی مقررات مالیاتی<sup>۴</sup>

۱۱. کمبود نیروی کار آموزش دیده<sup>۵</sup>

۱۲. وجدان کاری ضعیف نیروی کار<sup>۶</sup>

۱۳. نقصان ظرفیت‌های نوآوری<sup>۷</sup>

۱۴. بی‌ثباتی دولت / کودتا<sup>۸</sup>

۱۵. جرم و جنایت و سرقت<sup>۹</sup>

۱۶. بهداشت عمومی ضعیف<sup>۱۰</sup>

در گزارش های سالانه مجمع جهانی اقتصاد، علاوه بر نمره و رتبه کشورها در ۱۲ زیرشاخص تشکیل دهنده GCI، از ۱۶ عامل بالا به عنوان عوامل محدود کننده کسب و کار معرفی شده است. در طی این فرایند از پاسخ دهندگان خواسته شده از فهرست ۱۶ عامل بالا، مهمترین مانع در بهبود سهولت کسب و کار در کشورشان را مشخص کرده و بین ۵-۱ نمره دهند. به عنوان مثال در مورد ایران، و بر اساس گزارش GCI در سال ۲۰۱۸، اگر موانع موجود در محیط کسب و کار را به ۱۰۰ قسمت تقسیم کنیم، در حدود ۱۴/۶٪ آن مربوط به میزان دسترسی به سیستم مالی می‌باشد. سهم عدم ثبات در رویه و سیاست‌ها، ۱۰/۴٪ و به همین ترتیب دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت، ۱۰/۹٪ می باشد. به بیان دیگر در این نظرسنجی، پنج عامل محدود کننده در

۱- Corruption

۲- Restrictive Labor Regulations

۳- Tax Rates

۴- Complexity of Tax Regulations

۵- Inadequately Educated Workforce

۶- Poor Work Ethic in Labor Force

۷- Insufficient Capacity to Innovate

۸- Government Instability/Coups

۹- Crime and Theft

۱۰ -Poor Public Health

سهولت کسب و کار در اقتصاد ایران به ترتیب عبارت انداز: میزان دسترسی به منابع مالی، عدم ثبات در رویه‌ها و سیاست‌ها، دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت، تورم و در نهایت عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی می باشد. هم‌چنین در حدود ۵۵٪ از مواع در سهولت کسب و کار در اقتصاد ایران ناشی از پنج عامل مذکور می باشد. لذا سیاست گذاران می توانند از طریق تمرکز بر پنج عامل مذکور تا حدود زیادی محدودیت‌ها و موانع موجود بر کسب و کار را کاهش دهند. وضعیت ۱۶ عامل سهولت کسب و کار برای نیجریه کشور دیگر گروه D8 که از لحاظ سطح توسعه بر اساس شاخص رقابت پذیری بیشترین شباهت را با ایران دارد، در جدول (۵) آمده است.

مهمترین عوامل محدود کننده محیط کسب و کار در این کشور به ترتیب عبارت انداز: عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی، فساد، میزان دسترسی به منابع مالی، عدم ثبات در رویه و سیاست‌ها و دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت می باشد که در حدود ۵۵٪ از عوامل محدود کننده محیط کسب و کار را شامل می شود. از این عوامل چهار مورد عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی، میزان دسترسی به منابع مالی، عدم ثبات در رویه و سیاست‌ها و دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت با ایران مشترک می باشد. مطابق جدول (۴) ایران و نیجریه هر دو در حال گذار از مرحله ۱ به مرحله ۲ می باشند. این تشابه در سطح توسعه باعث شده است تا عوامل محدود کننده کسب و کار در دو کشور را با هم مقایسه نماییم. ۱۶ عامل محدود کننده کسب و کار این دو کشور در جدول (۵) آورده شده اند.

جدول (۵)- سهم عوامل محدود کننده ایجاد کسب و کار در ایران و نیجریه

نیجریه		ایران	
۲۰/۲	عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی	۱۴/۶	میزان دسترسی به منابع مالی
۱۲/۴	فساد	۱۰/۴	عدم ثبات در رویه و سیاست‌ها
۱۳	میزان دسترسی به منابع مالی	۱۰/۹	دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت
۹/۲	عدم ثبات در رویه و سیاست‌ها	۹/۶	تورم
۹/۳	دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت	۹/۹	عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی
۱۳/۹	مقررات ارز خارجی	۴/۸	مقررات ارز خارجی
۳/۸	کمبود نیروی کار آموزش دیده	۹/۱	فساد
۴/۸	تورم	۶/۴	مقررات محدود کننده کار
۱/۸	وجدان کاری ضعیف نیروی کار	۴/۷	نرخ مالیات

نیجریه		ایران	
۱/۸	نرخ مالیات	3/6	پیچیدگی مقررات مالیاتی
۲	پیچیدگی مقررات مالیاتی	۲/۸	کمبود نیروی کار آموزش دیده
۱/۲	نقصان ظرفیت‌های نوآوری	4	وجدان کاری ضعیف نیروی کار
۱/۹	جرم و جنایت و سرقت	۳/۷	نقصان ظرفیت‌های نوآوری
۰/۰	مقررات محدود کننده کار	۲/۶	بی ثباتی دولت / کودتا
۰/۳	بهداشت عمومی ضعیف	۱/۵	جرم و جنایت و سرقت
۴/۴	بی ثباتی دولت / کودتا	۰/۶	بهداشت عمومی ضعیف

منبع: گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۸:۱۵۰

سهام عوامل محدودکننده ایجاد کسب و کار در بقیه کشورهای گروه D8 در پیوست آورده شده است.

رکن هشتم شاخص GCI توسعه بازار مالی<sup>۱</sup> می‌باشد. مقدار عددی آن در گزارش‌های مجمع جهانی اقتصاد و برای کشورهای مختلف ارائه شده است. بنابراین می‌توان از آن به عنوان متغیر جانشین میزان دسترسی به منابع مالی استفاده نمود.

### جدول (۶) - رکن هشتم، توسعه بازار مالی

نمبر بخشی	۵- دسترسی به سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز
۱- دسترسی به خدمات مالی	<b>اعتماد و اطمینان</b>
۲- توانایی پرداخت خدمات مالی	۶- ثبات بانک‌ها
۳- تأمین اعتبار مالی از طریق بازار بی طرف محلی	۷- نظارت در امنیت تبادلات و هم‌ارزی
۴- سهولت دسترسی به استقراض	۸- شاخص حقوق قانونی

منبع: گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۸:۴۲

عدم ثبات در رویه و سیاست‌ها و دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت نیز یکی از مهمترین عوامل محدود کننده کسب و کار در گروه کشورهای در حال توسعه اسلامی می‌باشد. این عوامل نیز

سنجش تأثیر محیط کسب و کار بر تولید ناخالص داخلی در دو گروه کشورهای ... ۱۵۵

در شاخص رقابت پذیری GCI محاسبه می‌شوند. در رکن اول نهادها، عملکرد بخش عمومی<sup>۱</sup> مطابق جدول زیر تعریف و محاسبه شده است.

### جدول (۷) - عملکرد بخش عمومی

۱-ولخرجی و ریخت وپاش در مصارف دولت	۴-مسئولیت نظارت های دولتی
۲-کارایی ساختار قانونی در رسیدگی به مناقشه‌ها	۵-کارایی ساختار قانونی در نظارت‌های چالش‌انگیز
۳-شفافیت در سیاست‌گذاری دولت	

منبع: گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۸:۴۲

### جدول (۸) - رکن دوم، زیرساخت‌ها<sup>۲</sup>

۱-کیفیت کلی زیرساخت‌ها
۲-کیفیت جاده‌ها
۳-کیفیت زیرساخت راه آهن
۴-کیفیت زیرساخت بندرگاه
۵-کیفیت زیرساخت حمل و نقل هوایی
۶-میزان دسترسی به صندلی در مسیرهای هوایی
۷-کیفیت عرضه برق
۸-آب‌ونمان تلفن همراه
۹-خطوط تلفن ثابت

منبع: گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۸:۴۲

### جدول (۹) - رکن سوم، فضای کلان اقتصادی

۱-تعادل در بودجه دولت	۴-بدهی دولت
۲-پس انداز ناخالص ملی	۵-رتبه اعتباری کشور
۳-تورم	

منبع: گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۸:۴۲

۱- Public sector performance

۲- Infrastructure

## جدول (۱۰) - رکن ششم، کارایی بازار کالا

رقابت داخلی	۹- گسترده‌گی موانع تجاری
۱- شدت رقابت محلی	۱۰- تعرفه‌های تجاری
۲- افزایش چیرگی و تفوق بازار	۱۱- گسترش مالکیت خارجی
۳- اثربخشی سیاست‌های ضد انحصار	۱۲- تاثیر قوانین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر کسب و کارها
۴- تاثیر درآمد مالیاتی در تشویق سرمایه‌گذاری	۱۳- مسئولیت آیین نامه حقوق گمرکی
۵- نرخ کلی مالیات	۱۴- سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی
۶- تعداد روال‌های مورد نیاز برای شروع کسب و کار	<b>کیفیت شرایط تقاضا</b>
۷- زمان مورد نیاز برای شروع کسب و کار	۱۵- میزان اهمیت مشتری مداری
۸- هزینه‌های برنامه کشاورزی	۱۶- خبرگی مصرف کننده
<b>رقابت خارجی</b>	

منبع: گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۸:۴۲

جداول (۶) تا (۱۰) بیانگر دو نکته مهم می‌باشند. اولاً توسعه بازار مالی (رکن هشتم)، عملکرد بخش عمومی (بخشی از رکن اول)، زیر ساخت‌ها (رکن دوم)، فضای کلان اقتصادی (رکن سوم) و کارایی بازار کالا (رکن ششم) را می‌توان به ترتیب به عنوان متغیرهای جانشین میزان دسترسی به منابع مالی، عدم ثبات در سیاست‌ها و دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت، عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی، تورم و در نهایت تجارت و نرخ کلی مالیات دانست. همچنین هر رکن از نشانگرهایی تشکیل شده است که مقدار عددی آن مشخص و در نهایت رتبه کشورها در پنج متغیر ذکر شده در گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد ارائه می‌گردد.

## پیشینه پژوهش

حیدر<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر اصلاحات در مقررات کسب و کار بر رشد اقتصادی در بین ۱۷۲ کشور طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ با روش اثرات ثابت مقطعی پرداخته است. برآوردهای این مقاله نشان می‌دهد که به طور متوسط، هر اصلاح در مقررات کسب و کار، باعث افزایش ۱/۵ درصدی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود.

سن و ولد<sup>۱</sup> (2007) نشان دادند که روابط دولت-کسب و کار در رشد اقتصادی کشورها به طور معنی داری اهمیت دارد و بهبود در این روابط در هنگام کنترل دیگر عوامل تعیین کننده رشد، گواه بر رشد اقتصادی بالاتر است. آنها به این نتیجه رسیدند که نهادهای، قوانین و مقررات مفیدتر و کاراتر از طریق کاهش هزینه ها و افزایش بهره وری، موجب افزایش تجارت می شوند. دیجانکوف<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین مقررات کسب و کار و رشد اقتصادی در بین ۱۳۵ کشور و طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که کشورهای با مقررات ساده‌تر نسبت به کشورهای با مقررات دست و پا گیر رشد سریع‌تری دارند.

بوتنر<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) در بررسی تأثیر موانع دستیابی به نرخ‌های بلندمدت رشد به این نتیجه رسید که اصلاحات مقرراتی که هزینه‌های ورود را کاهش می‌دهد موجب افزایش رشد می‌گردد. در شروع فعالیت یک شرکت روش‌های اجرایی زمان‌بر برای ورود به بازار هزینه‌هایی را ایجاد می‌کند که بر محرک‌های نوآوری و ایجاد شرکت‌های جدید تأثیرگذار است.

داوسون<sup>۴</sup> (۲۰۰۶)، در مقاله‌ای با عنوان مقررات، سرمایه‌گذاری و رشد بین کشورها به بررسی اثر مقررات بر سرمایه‌گذاری و رشد بلندمدت اقتصادی بین کشورها پرداخت. نتایج این پژوهش بیانگر رابطه منفی و معنی‌دار بین افزایش تعداد قوانین و مقررات و رشد اقتصادی است.

حکمتی فرید و همکاران (۱۳۹۵)، اثر بهبود فضای کسب و کار و رعایت حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد متوسط به بالا را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتیجه مطالعه حاکی از آن است که شاخص حقوق مالکیت فکری، شاخص حکمرانی خوب (شامل کیفیت قوانین و ثبات سیاسی)، سرمایه ثابت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر تولید سرانه کشورهای با درآمد متوسط به بالا داشته است.

نخعی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به ارزیابی تأثیر بهبود کیفیت مقررات کار، اعتبار و کسب و کار بر رشد اقتصادی در طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ و در بین کشورهای در حال توسعه و توسعه

۱- Sen, and Veld

۲- Djankov

۳- Buttner

۴- Dawson

یافته با تأکید بر ایران پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که به‌طور کلی، بهبود وضعیت مقررات کار، اعتبار و کسب و کار روی رشد اقتصادی تمامی کشورهای نمونه و به‌طور خاص، کشورهای با درآمد بالا تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. از بین اجزاء مقررات کار، اعتبار و کسب و کار نیز جزء مربوط به مقررات بازار نیروی کار، بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی داشته است. بابکی و سلیمی‌فر (۱۳۹۳)، تأثیر نقش محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی را در ۳۰ کشور منتخب، مورد آزمون قرار دادند. نتایج این آزمون با کمک روش داده‌های تابلویی و در طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۴ نشان می‌دهد که محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد. هم‌چنین نتایج حاصل از آزمون برابری دو ضریب نشان می‌دهد که اثرگذاری آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی بیشتر است.

مکیان و همکاران (۱۳۹۲)، تأثیر مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار، یعنی شاخص‌های سهولت شروع کسب و کار، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذار، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی و اجرای قراردادها را در دو گروه کشورهای اسلامی منطقه منا و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، طی دوره سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۶ و با استفاده از روش رگرسیونی داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، با توجه به وضعیت مطلوب فضای کسب و کار در منطقه سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، لازم است کشورهای اسلامی منطقه منا برای بهبود در فضای کسب و کار، شاخص‌های تجارت فرامرزی و اخذ اعتبار را در سیاست‌گذارهای خود مورد توجه ویژه قرار دهند.

ندیری و محمدی (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM و داده‌های تابلویی پویا را مورد تحقیق قرار داده‌اند. در این مطالعه از میانگین ساده هفت شاخص از شاخص‌های ICRG در دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۳ و نیز میانگین شش شاخص حکمرانی خوب در دوره ۲۰۰۹-۱۹۹۶ به عنوان شاخص‌های نهادی برای بررسی در سطح جهانی و نمونه کشورهای مختلف استفاده شده است. نتایج مطالعه حاکی از تأثیرگذاری نهادها بر رشد اقتصادی کشورها در سطح جهانی و در بین نمونه کشورهای مختلف مورد آزمون به غیر از گروه کشورهای نفتی است.

باصری و شاه‌حسینی (۱۳۸۹)، تأثیر بهبود محیط کسب و کار بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه، در دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۴ و به روش داده‌های تابلویی را مورد آزمون قرار داده‌اند. نتیجه



این مطالعه نشان می‌دهد که بهبود رتبه شاخص محیط کسب و کار یکی از عواملی است که منجر به رشد اقتصادی در این منطقه شده است. هم‌چنین حذف فضای دیوانسالارانه و تسهیل در قوانین و مقررات و سرعت بخشیدن در اجرای شروع یک کسب و کار از عوامل مهم در ایجاد محیط مطلوب برای رشد اقتصادی بوده است.

شهنازی و دهقان شبانی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب پرداخته‌اند. در این تحقیق از شاخص فضای کسب و کار بانک جهانی و در چارچوب یک مدل رشد درون‌زا، تأثیر اجزای این شاخص بر رشد اقتصادی در ۶۸ کشور منتخب و طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۶ به روش داده‌های تابلویی برآورد شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد ضعف در هفت زیربخش تعطیل کردن کسب و کار، ثبت اموال، پرداخت مالیات، شاخص تجارت خارجی، اجرای قراردادهای استخدام و اخراج کارگران و راه‌اندازی کسب و کار جدید اثر منفی و منطبق با تئوری بر رشد اقتصادی در نمونه مورد آزمون دارد. هم‌چنین ضریب سه شاخص شرایط و مقررات کسب مجوز، دریافت اعتبار و حمایت از سرمایه‌گذاران در محدوده مکانی و زمانی مورد آزمون بر خلاف انتظارات تئوریک است.

در مطالعات و پژوهشهای مذکور، نگاه کلی قوانین و مقررات و نیز توجه به گزارش سهولت کسب و کار بانک جهانی بوده است. در این مقاله سعی شده است، فضای کسب و کار و محدودیت‌های مربوط به آن را با توجه به الزامات و ساختار شاخص رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد بررسی نماید.

## روش پژوهش

### تصریح مدل و تعریف متغیرها

گزارش رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد معیار سنجش و ارزیابی بهره‌وری محسوب می‌شود. در واقع هدف اصلی آن است که بتوانیم به لحاظ تجربی به این پرسش پاسخ دهیم که آیا میتوان GCI را جانشین مناسبی از سطح بهره‌وری دانست. سولو<sup>۱</sup> روشی برای تحلیل نرخ رشد بهره‌وری<sup>۲</sup> ارائه نمود که در ادبیات موضوع از آن به نام پسماند سولو<sup>۱</sup> و یا بهره‌وری عوامل کل<sup>۲</sup>

۱ - Solow

۲ - Growth rate of productivity

نام برده می‌شود. به عبارت دیگر رشد بهره‌وری به صورت سنتی از تفاوت بین رشد واقعی GDP و قسمتی از نرخ رشد که نمیتوان به وسیله سرمایه انسانی و فیزیکی تعریف نمود، محاسبه می‌شود (گزارش رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد، ۴۷: ۲۰۱۴).  
در الگوهای نئوکلاسیک، تابع تولید به صورت معادله زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$Y_t = A_t f(k_t L_t) \quad (۱)$$

$$Y_t = A_t (k_t)^\alpha (L_t)^{1-\alpha} \quad (۲)$$

در روابط فوق،  $Y$  تولید ناخالص داخلی،  $K$  موجودی سرمایه،  $L$  نیروی کار و  $A$  متغیر بهره‌وری می‌باشد که معرف مقدار کیفی عوامل تولید است.  $\alpha$  و  $(1-\alpha)$  نیز کشش تولید نهاده‌های سرمایه و نیروی کار می‌باشند. با گرفتن لگاریتم از رابطه (۲) خواهیم داشت:

$$\text{Log} Y = \text{Log} A + \alpha \text{Log} K + (1-\alpha) \text{Log} L \quad (۳)$$

در مدل فوق بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP) شامل تولید نهایی نیروی کار و سرمایه است. در این الگو، فروضی در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب که تابع تولید از بازدهی ثابت نسبت به مقیاس برخوردار است و موجودی سرمایه با بازدهی نزولی مواجه است و از این رو نمی‌تواند منجر به رشد اقتصادی بلند مدت شود. با توجه به این که نیروی کار نیز نمی‌تواند نقش مسلط و بلند مدتی در رشد اقتصادی داشته باشد. تأکید این الگوها بر اثرگذاری بهره‌وری کل عوامل (رشد تکنولوژی) بر رشد اقتصادی است و تداوم رشد اقتصادی بلند مدت در اثر تغییرات این متغیر است. سولو با در نظر گرفتن تابع تولید کاب-داگلاس به این نتیجه رسید که تغییرات تکنولوژی و بهره‌وری مهمترین عامل تعیین کننده رشد اقتصادی است. بنابراین در الگوهای رشد نئوکلاسیک، رشد اقتصادی وابسته به رشد تکنولوژی است. با این وجود، بر اساس مطالعات انجام شده، این الگوها توانایی توضیح رشد بلند مدت اقتصادی را ندارند. زیرا در این الگوها نمی‌توان کاهش رشد اقتصادی را به کاهش شوک تکنولوژی یا شوک بد و نامناسب تکنولوژیکی نسبت داد. هم‌چنین در بیشتر مواقع، فروض الگوی رشد نئوکلاسیکی از جمله

۱ - Solow residual

۲ - Total factor productivity (TFP)

بازدهی ثابت به مقیاس تولید برقرار نیست. از این رو الگوهای رشد درون‌زا یا الگوهای جدید رشد به منظور پدید آوردن مکانیزمی درون‌زا، جهت توضیح رشد بلند مدت به‌وجود آمده‌اند. در این الگوها سعی بر آن است که با ورود متغیرهای دیگر در الگوهای رشد تا حد زیادی سهم بهره‌وری کل عوامل در تفسیر رشد اقتصادی بلند مدت کاهش یابد و هم‌چنین با تغییر دادن فروض الگوی رشد نئوکلاسیکی، فرضیات مناسبی جهت تعیین الگوهای رشد درون‌زا در نظر گرفته شود. در الگوهای جدید، تأکید زیادی بر بازدهی فزاینده تابع تولید نسبت به مقیاس صورت می‌پذیرد و همچنین موجودی سرمایه از بازدهی ثابت یا فزاینده برخوردار است. زیرا بر خلاف الگوی نئوکلاسیک که سرمایه‌گذاری به صورت درونی به عوامل اقتصادی تعلق می‌گیرد و از بازدهی کاهنده برخوردار است. در الگوی رشد درون‌زا، منافع سرمایه‌گذاری می‌تواند به صورت اثر خارجی به سایر بخش‌ها سرایت نماید و بدین ترتیب، موجودی سرمایه از بازدهی ثابت یا فزاینده برخوردار است. و این امکان برقرار می‌گردد که افزایش موجودی، رشد اقتصادی بلند مدت را تداوم بخشد. علاوه بر اصلاح فروض الگوی رشد نئوکلاسیکی و اعمال تغییراتی در متغیرهای الگوی رشد درون‌زا، متغیرهای جدید نیز در توضیح رشد اقتصادی بلند مدت مورد توجه مدل‌های جدید قرار گرفته‌اند (بابکی، سلیمی فر ۱۳۳: ۱۳۹۳).

در این مقاله لگاریتم تولید ناخالص داخلی، به صورت تابعی از لگاریتم موجودی سرمایه، نیروی کار و ترکیبی از زیر شاخص‌های GCI تعریف می‌گردد. این زیر شاخص‌ها عبارت‌اند از: توسعه بازار مالی (رکن هشتم)، زیرساخت‌ها (رکن دوم)، عملکرد بخش عمومی (رکن اول)، کارایی بازار کالا (رکن ششم) و فضای کلان اقتصادی (رکن سوم).

$$\ln(\text{Fixedcapital})_{i,t} + \beta \ln(\text{Labour})_{i,t} + X_{i,t} \Gamma + \eta_{i,t} + \varepsilon_{i,t} = \xi \ln(\text{GDP}_{i,t})$$

(۴)

$\eta_{i,t}$ : تأثیر کشور  $i$  ام را نشان می‌دهد  $\varepsilon_{i,t}$ : جمله اختلال مدل رگرسیونی

اثرات خاص کشوری  $\eta_{i,t}$  شامل متغیرهای مشاهده نشده و غیرقابل اندازه‌گیری بر رشد اقتصادی مانند فرهنگ، نهاد، شرایط آب و هوایی و فناوری می‌باشد.  $\varepsilon_{i,t}$  جمله خطای تصادفی است که مستقل از زمان و مکان فرض می‌شود.

$X_{i,t}$ : (Financ) $_{i,t}$ , (Infrastr) $_{i,t}$ , (Gov) $_{i,t}$ , (Good) $_{i,t}$ , (Macro) $_{i,t}$

## جدول (۱۱) - تعریف متغیرهای استفاده شده در مدل

متغیرها	توضیح
GDP	تولید ناخالص داخلی <sup>۱</sup>
Fixedcapital	متغیر سرمایه ثابت ناخالص <sup>۲</sup>
Labour	مجموع نیروی کار (بر حسب میلیون نفر)
Financ	رتبه توسعه بازار مالی
Infrastr	رتبه زیرساخت‌ها
Gov	رتبه عملکرد بخش عمومی
Good	رتبه کارایی بازار کالا
Macro	رتبه فضای کلان اقتصادی

در ادبیات حساب‌های ملی تشکیل سرمایه ناخالص همان مفهوم سرمایه‌گذاری در کالاهای سرمایه‌ای است. سرمایه‌گذاری در کالاهای سرمایه‌ای فقط کالاهای سرمایه تولید شده را در برمی‌گیرد که شامل ماشین‌آلات، ساختمان، جاده، نسخه اصلی آثار هنری و ... می‌باشد. زمین و سایر دارایی‌هایی که مجدداً تولید نمی‌شوند در تشکیل سرمایه به حساب آورده نمی‌شوند و فقط میزان اضافه شده به این دارایی‌ها نظیر تسطیح اراضی، حصارکشی دور زمین و... تشکیل سرمایه ناخالص محسوب می‌شود. تشکیل سرمایه ناخالص میزان اضافه شده به موجودی سرمایه ساختمان‌ها، تجهیزات و موجودی انبار یا به عبارت دیگر میزان اضافه شده به ظرفیت تولید کالاها را اندازه‌گیری می‌کند. نیروی کار یک جامعه، عبارت است از تعداد افرادی که بر اساس قانون، در سن اشتغال قرار گرفته‌اند.

## جمع آوری داده‌ها و انتخاب کشورها

داده‌های مربوط به شاخص‌های محیط کسب و کار شامل رتبه توسعه بازار مالی، رتبه زیرساختها، رتبه عملکرد بخش عمومی، رتبه کارایی بازار کالا و رتبه فضای کلان اقتصادی از گزارش‌های

۱ - GDP (constant 2010 US\$)

۲ - Gross Fixed capital formation (constant 2010 US\$)

شاخص رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد و داده‌های سرمایه ثابت ناخالص و مجموع نیروی کار از گزارش‌های بانک جهانی تهیه شده است. در این مطالعه از داده‌های تابلویی یک نمونه ۱۵ کشوری مبتنی بر معیارهای مختلفی مانند اشتراکات فرهنگی و نیز هم‌ترازی در شاخص‌های اقتصادی استفاده شده است. گروه اول شامل هشت کشور اسلامی در حال توسعه بوده و گروه دوم هفت کشور برگزیده که بر طبق گزارش رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد و از لحاظ توسعه در مرحله گذار از مرحله ۱ (عامل محور) به مرحله ۲ (کار محور) قرار دارند، انتخاب شده‌اند. برآورد معادله (۴) برای دو گروه از کشورها، مطابق با تقسیم بندی جدول (۱۰) و در بازه زمانی ۲۰۱۱-۲۰۱۵ با کمک نرم افزار STATA صورت گرفته است.

جدول (۱۲)- کشورهای مورد مطالعه

کشورها	ناحیه
ایران-ترکیه-پاکستان-بنگلادش-نیجریه-مصر-اندونزی-مالزی	کشورهای در حال توسعه اسلامی
ایران-نیجریه-الجزایر-آذربایجان-قزاقستان-فیلیپین عربستان سعودی	کشورهای برگزیده (گذار از مرحله ۱ به ۲)

### آزمون‌های مدل رگرسیون و برآورد مدل

در تخمین مدل اولین ابهام مربوط به نحوه نمایش داده هاست. باید بررسی شود که آیا شواهدی دال بر ادغام داده ها وجود دارد یا اینکه در تمام مقاطع مختلف داده های متفاوتی بصورت پشت سرهم و بدون نظم مشخص در مدل گنجانده می شود. به بیان دیگر، فرض بر عدم وجود خصوصیات تأثیرگذار منحصر به فرد در بین مقاطع گذاشته می شود و لذا داده های ترکیبی بدون تمایز قائل شدن بین مقاطع مختلف در چارچوب مدل مورد نظر تخمین زده می شوند. در این حالت بیان می شود که داده ها بر روی یکدیگر انباشته شده اند و هیچ جزئی در مدل برای نشان دادن خصوصیات فردی تأثیرگذار در بین زوج های تجاری وجود ندارد و یا به عبارتی داده ها به صورت انباشته شده تخمین زده می شوند. همانگونه که مشخص است این راهکار در مواقعی کاربرد دارد که اطمینان حاصل شود هیچگونه تفاوت معنا داری در بین مقاطع مختلف به دلیل وجود خصوصیات فردی در این مدل (و جامعه مورد بررسی) وجود ندارد. در غیر این صورت، تفاوت های فردی در مدل لحاظ می شوند. برای رفع ابهام وجود تفاوت یا عدم آن در

داده ها، از آزمون F استفاده می شود.

در صورتی که مقدار F محاسبه شده بزرگتر از F جدول با درجه آزادی مشخص باشد، فرضیه صفر مبنی بر همگنی عرض از مبدأهای یکسان رد می شود و لذا اثرات مقاطع پذیرفته شده و باید عرض از مبدأهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود. در نتیجه می توان مدل را از طریق داده های تابلویی برآورد کرد. اما اگر فرض H پذیرفته شود یعنی عرض از مبدأ و شیب در تمامی مقاطع یکسان است و مدل به روش OLS برآورد می شود. در همه آزمون ها و برآوردها، سطح معنی داری ۵ درصد در نظر گرفته شده است. در این آزمون فرضیه  $H_0$  بیانگر یکسان بودن عرض از مبدأها (داده های تلفیقی) و فرضیه مخالف  $H_1$  نشان دهنده ناهمسانی عرض از مبدأها (داده های تابلویی) می باشد.

### جدول (۱۳) - نتایج بررسی قابلیت ادغام داده ها

نتیجه	P-VALUE	مقدار	آماره
داده های تابلویی	۰.۰۰۰۰	۵۴۷/۱	آزمون F (گروه کشورهای D8)
داده های تابلویی	۰.۰۰۰۰	۵۶۵/۷۲	آزمون F (گروه کشورهای برگزیده)

منبع: یافته های تحقیق

مقدار P-VALUE محاسبه شده کمتر از سطح خطای ۵٪ است، بنابراین فرض صفر رد شده و باید از روش داده های تابلویی استفاده کرد. هم چنین با توجه به مقدار تست هاسمن، فرضیه  $H_0$  مبنی بر وجود اثرات تصادفی رد می شود. از این رو روش اثرات ثابت پذیرفته می شود. لذا بر اساس هر دو روش، وجود اثرات ثابت پذیرفته می شود. در نتیجه برآوردها بر اساس روش داده های تابلویی و از نوع اثرات ثابت است.

### جدول (۱۴) - نتیجه آزمون هاسمن

نتیجه	P-VALUE	مقدار	آماره
روش اثرات ثابت	۰.۰۰۰۰	۶۴/۴	آزمون هاسمن در گروه کشورهای در حال توسعه اسلامی (D8)
روش اثرات ثابت	۰.۰۰۰۰	۲۶۴/۷۸	آزمون هاسمن در گروه کشورهای برگزیده

منبع: یافته های تحقیق

جدول (۱۵) - رابطه لگاریتم تولید ناخالص داخلی و محیط کسب و کار  
در گروه کشورهای در حال توسعه اسلامی (D8)

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
لگاریتم متغیر سرمایه ثابت ناخالص	۰/۳۶۵۸۵۷۳	۰/۵۰۰۷۱۵	۷/۳۱	۰/۰۰۰۰
لگاریتم مجموع نیروی کار	۱/۰۴۴۰۶۵	۰/۱۴۹۶۱۴	۶/۹۸	۰/۰۰۰۰
رتبه توسعه بازار مالی	-۰/۰۰۰۲۱۳	۰/۰۰۰۴۷۸۳	-۰/۰۴	۰/۹۶۵
رتبه زیرساخت‌ها	-۰/۰۰۰۴۱۱۷	-۰/۰۰۰۸۷۸۶	-۰/۴۷	۰/۶۴۳
رتبه عملکرد بخش عمومی	-۰/۰۰۰۱۰۱۱	۰/۰۰۰۳۷۶۲	-۰/۲۷	۰/۷۹

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۱۶) - رابطه لگاریتم تولید ناخالص داخلی و محیط کسب  
و کار در گروه کشورهای برگزیده

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
لگاریتم متغیر سرمایه ثابت ناخالص	۰/۳۱۹۲۴۸۴	۰/۳۰۶۶۴۴	۱۰/۴۱	۰/۰۰۰۰
لگاریتم مجموع نیروی کار	۰/۷۴۹۲۹۳۷	۰/۰۹۲۸۸۱۳	۸/۰۷	۰/۰۰۰۰
رتبه توسعه بازار مالی	-۰/۰۰۱۰۰۳۴	۰/۰۰۰۳۱۷۶	-۳/۱۶	۰/۰۰۵
رتبه زیرساخت‌ها	-۰/۰۰۱۵۵۲۴	-۰/۰۰۰۵۸۷۹	-۲/۶۴	۰/۰۱۵
رتبه عملکرد بخش عمومی	۰/۰۰۰۴۰۱۶	۰/۰۰۰۲۰۹۱	-۱/۹۲	۰/۰۶۸
رتبه کارایی بازار کالا	-۰/۰۰۰۶۲۰۱	۰/۰۰۰۴۲۱۸	-۱/۴۷	۰/۱۵۶
رتبه فضای کلان اقتصادی	-۰/۰۰۰۰۷۱۷	۰/۰۰۰۱۵۹۴	-۰/۴۵	۰/۶۵۸

منبع: یافته‌های تحقیق

در همه آزمون‌ها برآوردها، سطح معنی داری ۵ درصد در نظر گرفته شده است.

در تفسیر ضرایب جداول فوق الذکر این گونه می‌توان بیان کرد:

نتایج جدول (۱۴) برآورد مدل در گروه کشورهای در حال توسعه اسلامی را نشان می‌دهد. در این کشورها رتبه توسعه بازار مالی، رتبه زیرساخت‌ها و رتبه عملکرد بخش عمومی بر تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی داشته است ولی این تأثیر معنی دار نمی‌باشد. کشورهای گروه D8 دارای اشتراکات فرهنگی و دینی مشترکی می‌باشند. اما به لحاظ وضعیت اقتصادی متفاوت هستند. همانطور که در بخش قبلی مقاله ذکر شد. هشت کشور مذکور در نحوه قرارگیری و چینش مطابق با شاخص رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد متفاوت بوده و در سطوح مختلف قرار دارند. به عنوان مثال ایران و نیجریه در حال گذار از مرحله ۱ (عامل محور) به ۲ (کار محور)

می‌باشند. در حالی که ترکیه و مالزی در مرحله گذار از کارامحور به نوآورمحور قرار دارند. این سطوح متفاوت باعث شده است که نتوان محدودیت‌های مشترک در محیط کسب و کار را به آسانی تشخیص داد و همبستگی معنی‌داری بین آنها، به‌دست آورد. و لذا در گروه دوم انتخاب کشورها نه بر اساس اشتراکات قراردادی و سیاسی، بلکه بر اساس قرار گرفتن در یک موقعیت ثابت شده اقتصادی انتخاب شده است. هفت کشور بعدی در گروه دوم همه در مرحله گذار از عامل محور به کارامحور قرار دارند. نتیجه برآورد مدل برای این گروه از کشورها در جدول (۱۵) آمده است. در برآورد کشورهای گروه دوم پنج متغیر رتبه توسعه بازار مالی، رتبه زیرساخت‌ها، رتبه عملکرد بخش عمومی، رتبه کارایی بازار کالا و رتبه فضای کلان اقتصادی به عنوان عوامل مؤثر بر محیط کسب و کار در نظر گرفته شده است و رابطه بین عوامل مذکور با تولید ناخالص داخلی مورد تخمین قرار گرفته شده است. در کشورهای برگزیده رتبه توسعه بازارهای مالی و زیرساخت‌ها تأثیر منفی و معنی‌داری بر تولید ناخالص داخلی داشته است. ضرایب رتبه توسعه بازار مالی و زیرساخت‌ها به ترتیب عبارت است از ۰۰۱۰۰۳۴ و ۰۰۱۵۵۲۴. می‌باشند. ۱۰٪ کاهش در رتبه توسعه بازار مالی کشورهای برگزیده، باعث افزایش ۰۰۰۱٪ تولید ناخالص داخلی خواهد شد. هم‌چنین ۱۰٪ کاهش در رتبه زیرساخت‌ها، باعث افزایش ۰۰۰۱۶٪ تولید ناخالص داخلی کشورهای مذکور خواهد شد. تأثیر رتبه کارایی بازار کالا و رتبه فضای کلان اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی در گروه کشورهای برگزیده منفی و بی معنی است. نتیجه تجربی تأثیر رتبه عملکرد بخش عمومی بر تولید ناخالص داخلی در گروه کشورهای برگزیده در دوره زمانی قید شده با یافته‌های تئوری سازگار نمی‌باشد.

در هر دو گروه، عرضه نیروی کار تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است. میزان این تأثیر در گروه کشورهای D8 و برگزیده، به ترتیب ۱/۰۴۴۰۶۵ و ۷۴۹۲۹۳۷ بوده است. این بدین معناست که ۱۰٪ تغییر در نیروی کار، در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۱۱، به ترتیب ۱ درصد و ۷۵٪ درصد تغییر در تولید ناخالص داخلی کشورهای D8 و برگزیده را به همراه داشته است. هم‌چنین ضرایب مثبت موجودی سرمایه، گواه این موضوع است که علاوه بر نیروی کار، موجودی سرمایه نقش اساسی در رشد اقتصادی دارد. نتایج برآورد در هر دو گروه نشان می‌دهد که افزایش ۱۰٪ تغییرات در موجودی سرمایه باعث افزایش ۳۷٪ درصد و ۳۲٪ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای گروه D8 و برگزیده بوده است.



## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سرمایه ثابت ناخالص و مجموع نیروی کار به همراه بخشی که از آن به عنوان بهره‌وری عوامل تولید یاد می‌شود، تولید ناخالص داخلی را شکل می‌دهد. شاخص‌های محیط کسب و کار را میتوان به عنوان بهره‌وری عوامل تولید در تابع تولید در نظر گرفت. بانک جهانی از طریق شاخص سهولت کسب و کار، بستر حقوقی و نهادی را به عنوان عوامل مؤثر بر محیط کسب و کار در نظر می‌گیرد. مجمع جهانی اقتصاد، ۱۶ عامل را به عنوان محدودیت‌های کسب و کار معرفی نموده است و از طریق پرسش‌نامه‌های آماری و تعامل با کارآفرینان و بنگاهها، میزان تأثیر و وزن هر یک از عوامل محدود کننده کسب و کار را در کشورهای مختلف تعیین نموده است. میزان دسترسی به منابع مالی، عدم ثبات در رویه و سیاست‌ها، دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت، تورم و در نهایت عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی به عنوان مهم‌ترین شاخصهای محدود کننده کسب و کار در کشورهای در حال گذار از مرحله ۱ (عامل محور) به ۲ (کارامحور) می‌باشند. در این مطالعه شاخص‌های مذکور به همراه عوامل تولید نیروی کار و سرمایه در تابع تولید، مورد آزمون قرار گرفته است. در کشورهای گروه D8، تأثیر شاخص‌های محیط کسب و کار بر تولید ناخالص داخلی مورد تأیید قرار گرفته است علی‌رغم آن، این تأثیر بی‌معنی بوده است. مهم‌ترین دلیل آن را میتوان تفاوت کشورها از نظر سطح و تراز اقتصادی در نظر گرفت و لذا در گروه دوم کشورهای برگزیده (از جمله ایران) که از نظر شاخص رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد در یک گروه قرار دارند، مورد آزمون قرار گرفته‌اند. نتایج این برآورد نشان می‌دهد که محدودیت‌های مربوط به عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی و میزان دسترسی به منابع مالی، بیشترین تأثیر را بر تولید ناخالص داخلی کشورهای برگزیده داشته است. علی‌رغم آن همچنان تأثیر فضای کلان اقتصادی و کارایی بازار کالا تأیید شده ولی میزان تأثیر آن بی‌معنی است. مهم‌ترین نتیجه این برآورد آن است که هر چقدر همگرایی و نزدیکی کشورها از منظر توسعه و تراز اقتصادی یکسان باشد، نتایج برآورد تا حد زیادی معنی دار می‌باشد. سرمایه‌گذاری در زیرساخت بخشی از انباشت سرمایه‌ای است که برای توسعه اقتصادی لازم است و نیز می‌تواند به عنوان بخشی از رشد رفاه اجتماعی در ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه تعبیر شود. در عین حال زیرساخت تأثیر غیرمستقیمی بر زنجیره تأمین، ارزش زمین، رشد کسب و کارهای کوچک و توسعه جوامع و استفاده از فرصت‌های اقتصادی می‌گذارد. بهبود کارایی در خدمات

مؤسسات مالی و پولی شامل بانکها، مؤسسات اعتباری غیربانکی، نظیر شرکتهای پس انداز و وام، مؤسسات اعتباری و شرکت های سرمایه گذاری و یا به طور کلی فعالیت کلیه مؤسسات و شرکت هایی که بگونه ای به امر واسطه گری مالی بین عرضه کنندگان و جوه و تقاضا کنندگان پول و سرمایه اشتغال دارند، از جمله عوامل مهم در بهبود فضای کسب و کار در گروه کشورهای برگزیده می باشد. مطالعه جداول (۲) و (۴) نشان می دهد که هر کشور بر طبق ارزشیابی GCI در گروه های عامل محور، کارامحور، نوآورمحور و یا در حال گذار قرار دارند. اگرچه محدودیت های محیط کسب و کار برای هر کشور منحصر بفرد بوده اما کشورهایی که در یک گروه توسعه ای قرار دارند، با محدودیت های مشابهی در محیط کسب و کار روبرو می شوند. لذا بهترین سیاست کشورهای در حال گذار (از مرحله ۱ به ۲) جهت بهبود محیط کسب و کار، توجه بیشتر به بهبود زیرساخت های فیزیکی و توسعه بازارهای مالی می باشد.

## پیوست ها

### پیوست (۱): شاخص سهولت کسب و کار بانک جهانی

۱. شروع کسب و کار<sup>۱</sup>: چالش های مربوط به آغاز فعالیت جدید (یعنی فرایند ثبت یک شرکت) شامل تعداد مراحل است که کارآفرین برای آغاز فعالیت باید طی نماید. این شاخص متوسط زمان لازم برای انجام فرایند و نسبت هزینه و حداقل سرمایه مورد نیاز برای آغاز فعالیت به سرانه درآمد ناخالص ملی را مورد توجه قرار می دهد.
۲. مجوز ساخت و ساز<sup>۲</sup>: اخذ شامل مراحل، زمان و هزینه مورد نیاز جهت اخذ مجوز برای احداث یک واحد کارگاه استاندارد را شامل می شود.
۳. دسترسی به برق<sup>۳</sup>: شامل مراحل، زمان و هزینه مورد نیاز جهت اتصال به شبکه برق و میزان اطمینان به برقراری آن می باشد.
۴. ثبت مالکیت<sup>۴</sup>: میزان سهولت ثبت حقوق مالکیت شامل تعداد مراحل و هزینه های مترتب بر

۱ - Starting Business

۲ - Dealing With Construction Permits

۳ - Getting Electricity

۴ - Registering Property

ثبت مالکیت را تعیین می‌نماید.

۵. اخذ اعتبار<sup>۱</sup>: معیارهای مربوط به آگاهی افراد نسبت به اعتبارات و حقوق قانونی وام دهندگان و

وام گیرندگان را تعریف می‌کند

۶. حمایت از سرمایه‌گذاران در اقلیت<sup>۲</sup>: میزان حمایت از سهامداران در اقلیت، در مقابل سوء

استفاده مدیران از اموال شرکت برای منافع شخصی را اندازه‌گیری می‌نماید.

۷. پرداخت مالیات<sup>۳</sup>: مالیات و عوارضی را که شرکت‌های متوسط باید در طول یک سال پرداخت

کنند، یا اقدامات و فشارهای مالیاتی و سهم حق بیمه‌های تأمین اجتماعی را ثبت می‌کند.

۸. تجارت فرامرزی<sup>۴</sup>: کلیه مراحل اداری واردات و صادرات کالا (از توافق پیمانکاران گرفته تا

حمل کالا) و نیز زمان و هزینه انجام امور، توسط این شاخص ثبت و ضبط می‌شود.

۹. اجراء قراردادهای<sup>۵</sup>: زمان و هزینه لازم جهت حل و فصل اختلافات تجاری و کیفیت فرایندهای

قضایی مربوط را اندازه‌گیری می‌کند. به بیان دیگر این شاخص مبین میزان کارایی قراردادها در

هنگام بروز دعاوی حقوقی میان افراد می‌باشد، و میزان کارایی التزام به قرارداد قابل ردگیری

است.

۱۰. حل و فصل انحلال<sup>۶</sup>: زمان، هزینه و پیامدهای فرایند ورشکستگی را که شرکت‌های داخلی

با آن مواجه است را بررسی می‌کند. شاخص مورد نظر مبین میزان ضعف قانون ورشکستگی

موجود و تنگناهای اداری مربوط به فرایند ورشکستگی است.

۱۱. مقررات بازار کار<sup>۷</sup>: این شاخص انعطاف‌پذیری در تنظیم اشتغال و جنبه‌های کیفیت کار را

اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص بر اساس پاسخ به پرسش‌های زیر تنظیم گردیده است. این

پرسش‌ها عبارت انداز: میزان آزادی عمل کارگر و کارفرما در تنظیم قرارداد، میزان ساعت کار،

---

۱ -Getting Credit

۲ -Protecting Minority Investors

۳ -Paying Taxes

۴ -Trading Across Borders

۵ -Enforcing Contracts

۶ -Resolving Insolvency

۷ -Labor Market Regulation

کار در ایام تعطیل و کار شبانه، نحوه استخدام و اخراج نیروی کار، هزینه‌های استخدام و اخراج نیروی کار برای کارفرما.

## پیوست (۲): محدودیت‌های کسب و کار در کشورهای اسلامی در حال توسعه

### جدول (۱): سهم عوامل محدودکننده ایجاد کسب و کار در ترکیه و مالزی

مالزی		ترکیه	
7/4	فساد	7/4	نرخ مالیات
8/9	دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت	11/8	میزان دسترسی به منابع مالی
4/3	عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی	11/7	کمبود نیروی کار آموزش دیده
4/8	عدم ثبات در رویه و سیاست‌ها	9/1	مقررات ارز خارجی
12/5	میزان دسترسی به منابع مالی	4	پیچیدگی مقررات مالیاتی
7/9	نرخ مالیات	8/9	دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت
8/5	تورم	6/2	عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی
4/5	پیچیدگی مقررات مالیاتی	13/7	عدم ثبات در رویه و سیاست‌ها
۶/1	وجدان کاری ضعیف نیروی کار	۵/3	نقصان ظرفیت‌های نوآوری
9/2	مقررات ارز خارجی	2/4	مقررات محدودکننده کار
6/4	بی‌ثباتی دولت / کودتا	7/9	تورم
۰.9	جرم و جنایت و سرقت	۲/9	وجدان کاری ضعیف نیروی کار
7	کمبود نیروی کار آموزش دیده	۰.3	فساد
5/4	نقصان ظرفیت‌های نوآوری	7/۳	بی‌ثباتی دولت / کودتا
5/9	مقررات محدودکننده کار	۰/9	بهداشت عمومی ضعیف
۰.4	بهداشت عمومی ضعیف	۰/۳	جرم و جنایت و سرقت

منبع: گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد، 2018:192

### جدول (۲): سهم عوامل محدودکننده ایجاد کسب و کار در مصر و اندونزی

اندونزی		مصر	
11/7	دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت	15/2	عدم ثبات در رویه و سیاست‌ها
7/5	میزان دسترسی به منابع مالی	9	دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت
3	نقصان ظرفیت‌های نوآوری	5	وجدان کاری ضعیف نیروی کار
15/7	فساد	7/9	کمبود نیروی کار آموزش دیده
11/5	کمبود نیروی کار آموزش دیده	7/8	میزان دسترسی به منابع مالی
8/3	وجدان کاری ضعیف نیروی کار	4/3	عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی

سنجش تأثیر محیط کسب و کار بر تولید ناخالص داخلی در دو گروه کشورهای ... ۱۷۱

اندونزی		مصر	
4/5	نرخ مالیات	6	مقررات ارز خارجی
14/4	عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی	3/5	بی‌ثباتی دولت / کودتا
5/8	عدم ثبات در رویه و سیاست‌ها	14/2	تورم
3/5	پیچیدگی مقررات مالیاتی	.7	جرم و جنایت و سرقت
.5	مقررات محدود کننده کار	3/3	مقررات محدود کننده کار
1/6	تورم	9/8	فساد
3/6	جرم و جنایت و سرقت	۳	پیچیدگی مقررات مالیاتی
1/9	مقررات ارز خارجی	7/7	نرخ مالیات
4/3	بی‌ثباتی دولت / کودتا	۱/8	نقصان ظرفیت‌های نوآوری
3/6	جرم و جنایت و سرقت	.8	بهداشت عمومی ضعیف

منبع: گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد، 2018:110

جدول (۳): سهم عوامل محدود کننده ایجاد کسب و کار در پاکستان و بنگلادش

بنگلادش		پاکستان	
۱۸/۷	فساد	17	فساد
۱۸/۳	عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی	10/5	نرخ مالیات
۱۲/۷	بی‌ثباتی دولت / کودتا	2/5	تورم
۱۱/۸	دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت	6/5	میزان دسترسی به منابع مالی
۹/۷	میزان دسترسی به منابع مالی	7	دیوان‌سالاری ناکارآمد دولت
۴/۷	عدم ثبات در رویه و سیاست‌ها	8/2	بی‌ثباتی دولت / کودتا
۳/۹	کمبود نیروی کار آموزش دیده	۶/۶	عدم ثبات در رویه و سیاست‌ها
۳/۷	نرخ مالیات	۵/8	عرضه ناکافی در زیرساخت‌های فیزیکی
۳/۱	پیچیدگی مقررات مالیاتی	3/8	کمبود نیروی کار آموزش دیده
۲/۹	جرم و جنایت و سرقت	7/2	جرم و جنایت و سرقت
۲/۷	مقررات ارز خارجی	6/6	وجدان کاری ضعیف نیروی کار
۲/۶	تورم	۳/8	مقررات ارز خارجی
۲/۶	وجدان کاری ضعیف نیروی کار	5/1	پیچیدگی مقررات مالیاتی
۱	نقصان ظرفیت‌های نوآوری	2/3	مقررات محدود کننده کار
۱	مقررات محدود کننده کار	4/3	نقصان ظرفیت‌های نوآوری
۰/۵	بهداشت عمومی ضعیف	5/3	بهداشت عمومی ضعیف

منبع: گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد، 2018:230

## پیوست (۳): نتایج خروجی برآورد مدل

### ۱- برآورد مدل درگروه کشورهای در حال توسعه اسلامی (D8)

```
. xtset id year, yearly
      panel variable:  id (strongly balanced)
      time variable:  year, 2011 to 2015
                  delta:  1 year

. xtreg lny lnk ln1 finan infra gov, fe

Fixed-effects (within) regression              Number of obs   =        40
Group variable: id                            Number of groups =         8

R-sq:  within = 0.9285                          Obs per group:  min =         5
      between = 0.1914                              avg =         5.0
      overall  = 0.1955                              max =         5

                                           F(5,27)         =       70.15
corr(u_i, Xb) = -0.6211                          Prob > F         =       0.0000
```

lny	Coef.	Std. Err.	t	P> t	[95% Conf. Interval]	
lnk	.3658573	.0500715	7.31	0.000	.2631191	.4685955
ln1	1.044065	.149614	6.98	0.000	.7370824	1.351048
finan	-.0000213	.0004783	-0.04	0.965	-.0010027	.0009601
infra	-.0004117	.0008786	-0.47	0.643	-.0022143	.001391
gov	-.0001011	.0003762	-0.27	0.790	-.000873	.0006707
_cons	-.8172641	2.126844	-0.38	0.704	-5.181187	3.546658
sigma_u	.79869519					
sigma_e	.02190985					
rho	.99924805	(fraction of variance due to u_i)				

```
F test that all u_i=0:      F(7, 27) =    547.10          Prob > F = 0.0000
```

### ۲- برآورد مدل درگروه کشورهای برگزیده

```
panel variable:  id (strongly balanced)
time variable:  year, 2011 to 2015
                delta:  1 year

. xtreg lny lnk ln1 finan infra gov good macro, fe

Fixed-effects (within) regression              Number of obs   =        35
Group variable: id                            Number of groups =         7

R-sq:  within = 0.9775                          Obs per group:  min =         5
      between = 0.7290                              avg =         5.0
      overall  = 0.7304                              max =         5

                                           F(7,21)         =      130.06
corr(u_i, Xb) = -0.2554                          Prob > F         =       0.0000
```

lny	Coef.	Std. Err.	t	P> t	[95% Conf. Interval]	
lnk	.3192484	.0306644	10.41	0.000	.2554783	.3830186
ln1	.7492937	.0928813	8.07	0.000	.5561365	.9424509
finan	-.0010034	.0003176	-3.16	0.005	-.0016639	-.0003428
infra	-.0015524	.0005879	-2.64	0.015	-.002775	-.0003298
gov	.0004016	.0002091	1.92	0.068	-.0000333	.0008364
good	-.0006201	.0004218	-1.47	0.156	-.0014972	.000257
macro	-.0000717	.0001594	-0.45	0.658	-.0004033	.0002599
_cons	6.088358	1.096068	5.55	0.000	3.808959	8.367757
sigma_u	.43868419					
sigma_e	.01133695					
rho	.99933258	(fraction of variance due to u_i)				

```
F test that all u_i=0:      F(6, 21) =    565.72          Prob > F = 0.0000
```

### ۳- نتیجه آزمون هاسمن در گروه کشورهای در حال توسعه اسلامی (D8)

estimates store re

hausman fe re

	Coefficients		(b-B) Difference	sqrt(diag(V_b-V_B)) S.E.
	(b) fe	(B) re		
lnk	.3658573	.4383184	-.0724611	.
lnl	1.044065	.710651	.3334141	.0376355
finan	-.0000213	.0003676	-.0003889	.
infra	-.0004117	-.0007755	.0003639	.
gov	-.0001011	.000065	-.0001662	.

b = consistent under Ho and Ha; obtained from xtreg  
 B = inconsistent under Ha, efficient under Ho; obtained from xtreg

Test: Ho: difference in coefficients not systematic

chi2(5) = (b-B)'[(V\_b-V\_B)^(-1)](b-B)  
 = 64.40  
 Prob>chi2 = 0.0000  
 (V\_b-V\_B is not positive definite)

### ۴- نتیجه آزمون هاسمن در گروه کشورهای کشورهای برگزیده

estimates store re

hausman re fe

	Coefficients		(b-B) Difference	sqrt(diag(V_b-V_B)) S.E.
	(b) re	(B) fe		
lnk	.7797855	.3192484	.4605371	.0335947
lnl	.2689341	.7492937	-.4803596	.
finan	.0013325	-.0010034	.0023359	.001629
infra	.0001866	-.0015524	.0017391	.0014717
gov	-.0008034	.0004016	-.001205	.0021944
good	-.0055032	-.0006201	-.0048831	.0026977
macro	.003292	-.0000717	.0033637	.0014289

b = consistent under Ho and Ha; obtained from xtreg  
 B = inconsistent under Ha, efficient under Ho; obtained from xtreg

Test: Ho: difference in coefficients not systematic

chi2(7) = (b-B)'[(V\_b-V\_B)^(-1)](b-B)  
 = 264.78  
 Prob>chi2 = 0.0000  
 (V\_b-V\_B is not positive definite)

## منابع

- اشرف زاده، سید حمید رضا و مهرگان، نادر (۱۳۸۷)، **اقتصادسنجی پانل دیتا**، موسسه تحقیقات و تعاون دانشگاه تهران
- بابکی، روح ا.. و سلیمی فر، مصطفی (۱۳۹۳)، نقش محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی در رشد اقتصادی کشورهای منتخب با رویکرد داده‌های تابلویی (۲۰۱۳-۲۰۰۴)، **مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای**، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۸، صص ۱۵۲-۱۲۱
- باصری، بیژن و شاه حسینی، میثم (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر بهبود محیط کسب و کار بر رشد اقتصادی، مطالعه موردی کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه، **فصلنامه علوم اقتصادی**، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۹۵-۷۱
- حکمتی فرید، صمد و محمدزاده، یوسف و خزائی، دیمین (۱۳۹۵)، اثربه‌بود فضای کسب و کار و رعایت حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد متوسط به بالا، **فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی**، سال ششم، شماره بیست و دوم، صص ۱۳۰-۱۱۹
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و داوری کیش، راضیه (۱۳۹۴)، تأثیر آزادی اقتصادی بر توسعه بخش بانکی ایران، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال نهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۰)، صص ۶۶-۴۷.
- شهنازی، روح ا.. و دهقان شبانی، زهرا (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب، **پژوهشنامه اقتصادی**، سال یازدهم، شماره سوم، صص ۱۸۵-۱۶۱
- فلاحی، محمد علی و عرفانی جهانشاهی، فاطمه (۱۳۹۱)، تأثیر مقررات کسب و کار بر رشد اقتصادی (در منتخبی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه)، **مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای**، سال نوزدهم، شماره سوم، صص ۱۲۱-۱۰۲.
- مکیان، سید نظام‌الدین و امامی میبدی، مهدی و عشرتی، سمانه و احمدی، زهره (۱۳۹۲)، فضای کسب و کار و راهبرد رشد، مقایسه کشورهای اسلامی منطقه منا و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، **فصلنامه علمی و پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی**، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۸۴-۷۷
- ناجی، علی اکبر و رضازاده خراسانی، الهه (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر فضای کسب و کار، **هفتمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران**. صص ۸۹۴-۸۷۲.
- نخعی، فریبا و خشنودی، عبدا.. و دشتبان، مجید (۱۳۹۴)، ارزیابی تأثیر بهبود کیفیت مقررات کار، اعتبار و کسب و کار بر رشد اقتصادی (مطالعه تعدادی از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته با تأکید بر ایران)، **فصلنامه سیاست‌گذاری و پیشرفت اقتصادی** دانشگاه الزهرا (س)، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۴۲-۱۱۷



- ندیری، محمد و محمدی، تیمور (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر ساختار نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM داده‌های تابلویی پویا، **فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی**، سال پنجم، شماره سوم (پیاپی ۱۵)، صص ۲۴-۱

- Buettner, Bettina, (2006). "Entry Barriers and Growth", **Economics Letters**, Vol. 93, No. 1, pp. 150-155.
- Dawson, J. (2006). Regulation, Investment, And growth across countries, **cato Journal**, cato Institute, 26(3), 489-509.
- Djankov, S., McLiesh C., Ramalho R. M. (2006). Regulation and growth, **Economics Letters**, Elsevier, Vol.92 (3), pp. 395-401.
- Haidar, Jamal Ibrahim, (2012), The impact of business regulatory reforms on economic growth, **Journal of The Japanese and International Economies**, Elsevier, vol. 26(3), pp. 285-307.
- Schwab, Klaus. & Sala-i-Martin, Xavier. (2011). **The Global Competitiveness Report**, WEF(World economic forum).
- Schwab, Klaus. & Sala-i-Martin, Xavier. (2012). **The Global Competitiveness Report**, WEF(World economic forum) .
- Schwab, Klaus. & Sala-i-Martin, Xavier. (2013). **The Global Competitiveness Report**, WEF(World economic forum).
- Schwab, Klaus. & Sala-i-Martin, Xavier. (2014). **The Global Competitiveness Report**, WEF(World economic forum).
- Schwab, Klaus. & Sala-i-Martin, Xavier. (2015). **The Global Competitiveness Report**, WEF(World economic forum).
- Sen, Kunal, and Te Veld, Dirk Willem. (2007). "State-Business Relations and Economic Growth in Sub-Saharan Africa", **IPPG DiscussionPaper** No.8